دریچه

اصولگرایان در مسیر وحدت

هرچه به انتخابات نزدیک می‌شویم، امید اصولگرایان به وحدت نیز بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد هم گروه‌های تندرو از اصرار به رقابت درون جریانی عقب‌نشینی کرده‌اند و هم سازوکارهای انتخاباتی در این جبهه سیاسی در حال نزدیک شدن به هم است. شاهد این مدعا اظهارات اخیر منوچهر متکی رئیس اجرایی شورای وحدت است که در پاسخ به اینکه آیا امکان اجماع با شورای وحدت و شورای ائتلاف وجود دارد، گفته: «در عالم سیاست هیچ چیزی غیر ممکن نیست.» البته این را هم گفته که «ما در حال حاضر شرایط را رصد می‌کنیم و البته در حال حاضر لیست‌مان را مستقل می‌بندیم.» به هر روی، سخن اخیر متکی این گمانه که شورای ائتلاف و وحدت در نهایت به یک نقطه مشترک رسیده و همکاری جدی‌تری داشته باشند را افزایش داده است. مهم‌تر از این اما آنچه روزنه روشنی به سوی ایجاد وحدت در انتخابات پیش‌رو باز می‌کند، مواضع جبهه پایداری و شریان است. مثلا ابوالقاسم جراره، دبیرکل حزب شریان با بیان اینکه راه ائتلاف با دیگر جریانات را بسته نمی‌دانیم گفت: ما خواهان یک رقابت سالم و تشکیل یک مجلس قوی در سایه رقابت سالم هستیم. در عین حال چهره‌های جریان پایداری نیز از راهکار وحدت در صورت فراهم بودن شرایط سخن گفته‌اند. در همین راستا، صادق محصولی دبیرکل جبهه پایداری انقلاب اسلامی در نشستی با حضور بسیج اساتید هفت دانشگاه با تشریح فضای سیاسی و انتخاباتی کشور، گفته: «جریان‌های انقلابی اگر بخواهند موفق باشند، باید به سمت وحدت بروند؛ اما وحدت خودش هدف نیست، وسیله است. باید با حفظ اصول به سمت وحدت حرکت کنیم، زیرا وحدت برای این است که ارزش‌ها حفظ شود. وحدت بسیار خوب است؛ اما باید بر اساس شاخص‌های تعریف شده باشد و نه شخص‌محور.» در مجموع به نظر می‌رسد که بعد از مشخص شدن نتیجه بررسی صلاحیت‌ها و درک این مهم که همه گروه‌ها و نیروهای سیاسی در این انتخابات شانس آن را دارند که خود را آزموده و در معرض انتخاب قرار دهند، سیاسیون در جبهه اصولگرایی نیز آرام آرام ضرورت همصدایی و وحدت را بیشتر درک کرده و در این مسیر حرکت می‌کنند.

تلنگر

مهره حذفی صحنه سیاست

محمود احمدی‌نژاد انگار جایی که نباید سخن بگوید و جایی که باید موضع بگیرد، سکوت می‌کند. او از ابتدای آغاز جنگ غزه حتی یک توئیت ساده در حمایت از مردم فلسطین و محکوم‌کردن جنایات صهیونیست‌ها منتشر نکرده و البته حتی یک پیام تسلیت برای شهادت تعداد زیادی از مردم کرمان در پی اقدام تروریستی داعش صادر نکرده است. او این روزها در سکوت خبری کامل به سر می‌برد، اما با بازشناسی تحرکات سیاسی گروه‌های سیاسی می‌توان دریافت که بعید نیست از همین سکوت کنونی برای اهداف خاص طمع کرده باشد؛ شاید در سایه حرکت کردن و تأثیرگذاری غیرمستقیم در انتخابات مجلس و شاید حتی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴. نیت احتمالی احمدی‌نژاد در حالی است که با هر متر و و معیاری بسنجیم او توانایی هیچ کنشگری سیاسی را ندارد؛ چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم، چه در انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری به چند دلیل مهم: او و تعداد انگشت شماری از نیروهای سیاسی نزدیکش تصور می‌کنند هنوز سرمایه اجتماعی‌ای در اختیار دارند، اما واقعیت آن است که محمود احمدی‌نژاد چه در سطح سیاسیون و چه در سطح اجتماعی مورد توجه و محل بحث هیچکس نیست. در سطح اجتماعی، دیگر پایگاه رأی قابل توجهی ندارد. مخاطبان احمدی‌نژاد روزگاری بدنه انقلابی جامعه بود که به دلیل مواضع غیراصولی‌اش در سال‌های اخیر و کنایه‌هایی که به نظام می‌زد و حمایت بی‌حدوحصرش از دوستان نزدیکش که مشکلات قضائی به دلیل اقدامات خلاف قانونشان محکوم قضائی هم شدند، مورد توجه بدنه انقلابی نیست. بخش دیگری از جامعه هم که از ابتدا به احمدی‌نژاد اقبالی نداشتند. مانع دوم او در سطح سیاسی است. هم سیاست رسمی و در بین نیروهای سیاسی. شاید به سختی بشود به اندازه انگشتان یک دست افرادی را پیدا کرد که از احمدی‌نژاد علنا حمایت کنند. در مقابل طیف بسیاری از حتی دولتمردان احمدی‌نژاد از او اعلام برائت کردند. در سطح سیاست رسمی هم او پیش از این در انتخابات ریاست جمهوری ردصلاحیت شده است. به ویژه اینکه اویی که درباره همه چیز حتی درباره مسأله آب در گواتمالا اظهارنظر می‌کند این روزها در برابر شهادت هموطن‌هایش در کرمان و شهادت بیش از ۲۳هزار مردم بی‌دفاع غزه سکوت کرده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد نیت محمود احمدی‌نژاد هرچه باشد او برای همیشه از عالم سیاست ایران حذف شده است و از هیچ طریقی نمی‌تواند بار دیگر به عرصه سیاست‌ورزی بازگردد.

احمد دستمالچیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آمریکا دچار خوف شده است

+ تنش‌آفرینی در باب‌المندب به نفع اسرائیل

+ لندن و تلاویو، آمریکا را به دریای سرخ هل دادند

آرمان ملی- احسان اسقایی: تحولات منطقه خصوصا حوزه دریای سرخ و خلیج عدن نشان دهنده آن است که ایالات متحده آمریکا درصدد است نوعی مداخله هوشمند در منطقه را براساس دکترین امنیت ملی خود اجرایی کند. بدین معنا که از یکسو به دنبال کنترل تنش در منطقه به نفع اسرائیل است و از سوی دیگر نمی‌خواهد خود بحرانی جدید در منطقه ایجاد کند. به نظر می‌رسد پیچیدگی شرایط به گونه‌ای است که حتی ممکن است ایالات متحده به بهانه کنترل تنش به نفع اسرائیل وارد نبرد در دریای سرخ شده و خود نیز وارد نبردی غیرکنترل شده شود که نه به نفع منطقه است و نه مطابق با دکترین امنیت ملی آمریکاست و نه به نفع جو بایدنی که در آستانه انتخابات قرار گرفته و رقیبی قدرتمند به نام ترامپ را در برابر خود دارد. به نظر می‌رسد باید تحولات امنیتی منطقه را به دقت رصد کرد، چراکه ممکن است در پس این تحولات احتمالا حتی نگرش‌های سیاسی- امنیتی دچار تحولاتی بنیادین شود. در این رابطه «آرمان ملی» با احمد دستمالچیان، سفیر پیشین ایران در لبنان گفت‌وگو کرده است که در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

دور جدیدی از تحولات در منطقه را شاهد هستیم. از جمله اینکه آمریکا تحت عنوان حمایت از اسرائیل به یمن حمله نظامی کرده است. دخالت‌های آمریکا در نبرد دریای سرخ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متاسفانه دولت بایدن بازیچه دست صهیونیست‌ها و انگلستان شده و درحال همراهی با آنهاست و در راستای منافع آنها به تنش آفرینی در منطقه دست زده است. اگر امنیت منطقه بر هم بریزد امنیت اقتصادی کشورهای بزرگ هم خواهد ریخت. چراکه تنگه باب المندب تنگه استراتژیکی از نظر اقتصادی سیاسی و نظامی است و باکمال تاسف آمریکا که در دام انگلستان گرفتار شده دست به طرفداری بی‌حساب و کتاب از جنایات رژیم صهیونیستی زده است. آمریکا قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را وتو کرده است و بایدن چراغ سبز به نتانیاهو نشان داد تا این اقدامات به شدت غیرانسانی را انجام دهد. این درحالی است که یمن در یک معادله کاملا معقول اعلام کرده است که رژیم صهیونیستی باید راه کمک رسانی به مردم غزه را هموار کند و آتش بس ایجاد شود تا مردم زیر این آتش بی‌انقطاع و وحشیانه رژیم صهیونیستی بتوانند نفس بکشند اما از یک طرف رژیم صهیونیستی جنایت خود ادامه می‌دهد و از طرف دیگر آمریکا به نفع این رژیم در تنگه باب‌المندب تنش‌آفرینی می‌کند.

ایجاد این تنش در باب‌المندب توسط آمریکا تا چه اندازه به منافع کشورهای مختلف جهان آسیب می‌زند؟

ایجاد تنش در باب‌المندب موضوعی نیست که به نفع مصالح آمریکا باشد چون دریای سرخ و دریای عرب یک نقطه استراتژیک است که روزانه ۸۰۰ میلیارد دلار کالا و انرژی از آن رد و بدل می‌شود و نباید ناامن باشد. ضمن اینکه حتی شورای امنیت هم در هیچ قطعنامه‌ای توسل به زور علیه یمن را تصویب نکرده است و آقای جو بایدن با تحرک انگلستان بدون اخذ مجوز از کنگره و بدون توجه به قطعنامه شورای امنیت درحال تنش آفرینی است و این تنش می‌تواند کل منطقه را بر هم بریزد و کنترل تنش در منطقه را از دست کشورهای مختلف خارج کند و تنش‌ها تبدیل به غده چرکینی شود که به هیچ وجه قابل مهار کردن نباشد.

اگر آمریکا از این ورود به نبرد در باب‌المندب ضرر می‌کند پس چرا خود را از این منجلاب خارج نمی‌کند؟

همان طورکه گفته شد امروز بایدن تحت مشاوره‌های انگلستان و درخواست اسرائیل دست به این اقدام زده است. آمریکا باید با عقلانیت با این موضوع برخورد کند و خود را در دام تله‌های تحریک‌آمیز انگلستان و رژیم صهیونیستی نیندازد. جمهوری اسلامی ایران بارها از طریق کانال‌های مختلف این پیام را به آمریکایی‌ها داده است و امیدواریم آمریکا به این پیام توجه کند.

آمریکا از یکسو رسما با یمن درحال جنگ است از سوی دیگر پایگاه‌های آمریکا نیز در عراق و سوریه زیر راکت‌های مقاومت قرار گرفته آیا این امکان وجود دارد آمریکا که برای کنترل تنش به منطقه آمده بود یکباره خود را درون یک جنگ طولانی مدت مشاهده کند؟

در طول دوران بحران غزه آمریکایی‌ها پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم به کشورهای منطقه و حتی ایران ارسال کردند که از نظر آنها باید بحران کنترل شود و از دست طرفین خارج نشود و همه به سمت مدیریت بحران در منطقه حرکت کنند، اما امروزه آمریکایی‌ها خود به آتش بیار منطقه تبدیل کرده‌اند. این دام توسط انگلستان به آمریکایی‌ها القا شده است. به عبارت بهتر و احتمالا طرح‌هایی از سوی انگلستان به آمریکا القا شده است که با پیاده کرده آن توسط آمریکا بار دیگر پای آمریکایی‌ها به منطقه گشوده خواهد شد. آمریکایی‌ها هراس داشته و دارند که مجدد در یک جنگ دیگر در منطقه که به باتلاق نیروهای آمریکایی تبدیل خواهد شد، شرکت کنند، اما متاسفانه لابی صهیونیست‌ها قوی است و توانسته تاثیرخود را بر مردان کاخ سفید بگذارد و آمریکا را به راه و مسیری غیر از مصالح ملی خود بکشاند.

مراکز قدرت در آمریکا و اتاق‌های فکری در ایالات متحده چه مواضعی به این حملات یکباره اسرائیل داشتند؟

مردم زیادی در شب اول حمله در جلوی کاخ سفید جمع شدند و حمله به یمن را محکوم کردند. کنگره آمریکا نیز در این ارتباط مواضعی را اعلام کرده که نشان دهنده آن است که آنها در جریان این حمله نبودند. این موارد نشان می‌دهد احتمال به وجود آمدن مخاطرات بعد از ورود آمریکایی‌ها به جنگ وجود دارد و خود آمریکایی‌ها نیز از درون دچار خوف شده‌اند.

برخی معتقدند احتمالا یمن با این حملات از زدن کشتی‌های اسرائیل کوتاه می‌آید. این حملات تا چه میزان بر نگرش یمن اثرگذار است؟

یمنی‌ها نشان داده‌اند با سخت‌ترین شرایط هم سازگار می‌شوند و عزم اراده آنها با سختی کاسته نمی‌شود و از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنند. در طول ۸ سال جنگ خونباری که عربستان علیه یمن انجام داد، یمنی‌ها اراده خود را متزلزل نکردند و به عبارت بهتر اراده یمنی‌ها شکست ناپذیر است و در نهایت عربستان سعودی با یمن پای میز مذاکره نشست و شکست را پذیرفت. اکنون نیز پیش از اینکه بحران از دست همگان خارج شود آمریکایی‌ها با تامل بیشتری نسبت به این مداخله بیندیشد و پای خود را از این شرایط و پیچ خطر ناک بیرون بکشند.

اسرائیل از بسیاری از طرح‌های خود در ارتباط با غزه کوتاه آمده است. احتمال اینکه این بحران برای نتانیاهو پیچیده‌ترشود و نخست وزیر رژیم صهیونیستی از این بحران جان سالم به در نبرد را تا چه اندازه محتمل می‌دانید؟

نتانیاهو به شدت تحت فشار افکار عمومی و هم حزبی‌های خود است. در این مدت شخصیت‌های سیاسی متعددی با نتانیاهو وارد درگیری شدند و اعتبار و آبروی رژیم صهیونیستی توسط نتانیاهو در دنیا رفته است. شکست رژیم صهیونیستی از ابتدا در این جنگ قابل پیش بینی بود و سران برخی از کشورها شکست نتانیاهو را در طوفان‌الاقصی محتمل دانستند. به طوری که برخی از همین دولت‌های حامی اسرائیل به نتانیاهو توصیه کردند که وارد باتلاق غزه نشود، چراکه غزه به قتلگاه نیروهای نظامی تلاویو تبدیل خواهد شد اما نتانیاهو به این توصیه گوش نکرد و اکنون در قتلگاه و باتلاق غزه گرفتار شده است. روزانه ده‌ها تانک مرکاوای ارتش صهیونیستی منهدم می‌شود و تعدادی از صهیونیست‌ها نیز کشته می‌شوند و در تله رزمندگان مقاومت قرار می‌گیرند و از قدرت دفاعی و تهاجمی محور مقاومت نیزکاسته نشده. به طوری که همین روزگذشته شلیک‌های متعددی به مناطق شهرک‌نشین رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد و این رژیم نتوانسته معادلات امنیتی را در سرزمین‌های اشغالی بعد از حدود ۳ ماه جنگ برقرار کند و حتی نتوانسته است اسرا را آزاد کند و تونل‌های غزه هم فتح نشده و سران حماس هم ترور و دستگیر نشده‌اند این داده‌ها نتیجه بیش از ۱۰۰ روز نبرد علیه فلسطینیان است و هر مقدار بیشتر در این جنگ دست و پا بزند در این باتلاق فرو خواهد رفت و اگر قرار بود از این جنگ نتیجه بگیرند طی ماه‌های گذشته به آن دست یافته بودند. این درحالی است که اسرائیل تلفات مادی و معنوی بسیاری بدون دستاورد داشته است در داخل کیان رژیم صهیونیستی سوالات زیادی به وجود آمده از جمله این همه بحرانی که آفریده شد، چه دستاوردی داشته است. درنتیجه شخص نتانیاهو زیر سوال قرار گرفته و حتی ممکن است در آینده از کابینه کناره گیری کرده و مجبور شود خود را به محکمه بسپارد. کما اینکه دادگاه اسرائیل به طرح آنها رای نداده است و بعید نیست نتانیاهو در ارتباط با جنایاتی که مرتکب شده به زودی مجبور شود در دادگاه‌های این رژیم پاسخگو باشد.

اقدام اخیر آفریقای جنوبی در طرح دعوا علیه اسرائیل در لاهه را چگونه ارزیابی کرده و این اقدام را تا چه اندازه دارای اثرگذاری در رفتارهای آینده رژیم صهیونیستی می‌دانید؟

این اقدام یک اقدام بسیار جدی از سوی آفریقای جنوبی است. آفریقای جنوبی به این علت که سال‌ها گرفتار آپارتاید بوده و خود زجر کشیده نژادپرستی در آفریقای جنوبی بوده است، تلخی نسل کشی و آپارتاید و نژادپرستی به خوبی درک می‌کند. از این منظر آفریقای جنوبی به صورت محکم و مستدل به صحنه آمده است تا جنایت این رژیم را در عرصه بین‌الملل و دادگاه بین‌المللی در لاهه به اثبات برساند و کشورهای متعددی از جمله ایران پشت آفریقای جنوبی درآمده و از این کشور در محکمه علیه اسرائیل حمایت می‌کنند. اگر لابی صهیونیست‌ها و نظام سلطه بین‌المللی در این ارتباط اعلام نفوذ نکنند و دادگاه بتواند تصمیمی مستقل در ارتباط با جنایات صهیونیست‌ها بگیرد حتما جنایت‌های این رژیم مورد محکومیت بین‌المللی قرار می‌گیرد و این محکومیت تبعات سنگینی برای رژیم صهیونیستی خواهد داشت و این رژیم هیچ‌گاه به هیچ‌کدام از قوانین بین‌المللی و احکام بین‌المللی احترام نگذاشته و اکنون نیز احترام نخواهد گذاشت اما در نهایت به مردم جهان و نظام‌های بین‌المللی ثابت خواهد شد که این رژیم یک رژیم غیر مسئول و قلدر است که به هیچ عرف و قانونی پایبند نیست. لذا هر چه در عرصه حقوق بین‌المللی بتوان رژیم صهیونیستی را محکوم کرد این محکومیت به رویه خوبی در جهان تبدیل خواهد شد تا کشورهای نژادپرست متوجه شوند که ابزار موثری به نام حقوق بین‌الملل روی سر آنهاست و دیگر نمی‌توانند به صورت آزادانه دست به اقداماتی غیرانسانی بزنند.

> **یمنی‌ها نشان داده‌اند با سخت‌ترین شرایط هم سازگار می‌شوند و عزم و اراده آنها با سختی کاسته نمی‌شود و از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنند. در طول ۸ سال جنگ خونباری که عربستان علیه یمن انجام داد، یمنی‌ها اراده خود را متزلزل نکردند و به عبارت بهتر اراده یمنی‌ها شکست ناپذیر است و در نهایت عربستان سعودی با یمن پای میز مذاکره نشست و شکست را پذیرفت. اکنون نیز پیش از اینکه بحران از دست همگان خارج شود آمریکایی‌ها با تامل بیشتری نسبت به این مداخله بیندیشد و پای خود را از این شرایط و پیچ خطرناک بیرون بکشند**

> **اگر امنیت منطقه بر هم بریزد امنیت اقتصادی کشورهای بزرگ هم خواهد ریخت، چراکه تنگه باب المندب تنگه استراتژیکی از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی است و باکمال تاسف آمریکا که در دام انگلستان گرفتار شده دست به طرفداری بی‌حساب و کتاب از جنایات رژیم صهیونیستی زده است. آمریکا قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را وتو کرده است و بایدن چراغ سبز به نتانیاهو نشان داد تا این اقدامات به شدت غیرانسانی را انجام دهد. این درحالی است که یمن در یک معادله کاملا معقول اعلام کرده است که رژیم صهیونیستی باید راه کمک رسانی به مردم غزه را هموار کند و آتش بس ایجاد شود**

ذره بین

حمله به یمنی‌ها با پیامدهایی غیرمنتظره؛

طرح اتحادیه اروپا برای گسیل سه کشتی جنگی به دریای سرخ

بریتانیا و ایالات متحده استدلال می‌کنند که چاره‌ای نداشتند جز اینکه به یمن حمله کنند، اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این اقدام ممکن است اثر عکس داشته باشد و تنش‌ها را در منطقه تشدید کند. هم بریتانیا و آمریکا گزینه خطرناکی را انتخاب کرده‌اند که ممکن است نه تنها کارساز نباشد که اوضاع را هم بدتر کند. برای اینکه بهتر بتوانیم شرایط را بررسی و مورد تحلیل قرار دهیم باید به چند پرسش پاسخ دهیم. در درجه نخست باید به این سوال فکر کرد که آیا این حملات واشنگتن و لندن باعث خواهد شد که عملیات‌های یمن متوقف شود؟ بهتر است پاسخ این سوال را از سعودی‌ها پرسید؛ کشوری که هشت سال تلاش کرد تا حوثی‌ها را کنترل و از حملات آنها جلوگیری کند، اما در نهایت ریاض به هیچ توفیقی در این زمینه دست نیافت و ترجیح داد با آن‌ها بر سر میز مذاکره بنشیند. انصار ا... یک نیروی جنگنده، مصمم، مقاوم و چابک دارند که به پیشبرد اهداف خود متعهد است. ضمن اینکه آنها مانند حکومت صدام حسین نیستند که در یک حمله متعارف بتوان شکست‌شان داد. جنگجویان چریکی به احتمال زیاد یک مرحله جلوتر از عملیات هوایی هستند و شکست دادن آنها اصلا ساده نخواهد بود. در مقابل احتمالا این حملات باعث خواهد شد که آنها در تلافی حملات خود را تشدید کنند و این می‌تواند به حملاتی در جاهای دیگر منجر شود که برنامه‌ریزان نظامی غربی پیش‌بینی آن را نکرده‌اند. ضمن اینکه این درگیری‌ها احتمال رویارویی مستقیم بیشتر بریتانیا و آمریکا با متحدان ایران در منطقه را افزایش می‌دهد. در نقطه دیگر این معادله احتمالا ایران همچنان در حاشیه باقی خواهد ماند و خود را به صورت مستقیم وارد این درگیری‌ها نخواهد کرد، اما واقعیت این است که پیامدهای درگیری‌های پیچیده مانند این می‌تواند بسیار اجتناب‌ناپذیر باشد.

آیا حمله ضروری بود؟

محاسبات نادرست و اشتباهات می‌تواند منجر به تشدید بحران و سوق دادن رویدادها در مسیری غیرقابل پیش بینی شود. ضمن اینکه همیشه این خطر وجود دارد که دیگر گروه‌های مقاومت مانند حزب‌ا... از تبادل پراکنده آتش به اسرائیل به یک جنگ تمام عیار با این رژیم سوق پیدا کند. یمنی‌ها می‌گویند که حملات آن‌ها در دریای سرخ در اعتراض به حمله اسرائیل به غزه و کشته شدن هزاران فلسطینی در آنجا بوده است. آتش‌بس در غزه احتمالا به حملات آنها به کشتی‌ها و پرتاب موشک‌های کروز به سمت اسرائیل پایان می‌دهد، اما انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها می‌گویند که اسرائیل حق دارد تا زمانی که حماس زمین‌گیر نشود، به جنگ ادامه دهد، حتی اگر به طور فزاینده‌ای از تعداد بیش از حد غیرنظامیان کشته شوند. مشخص نیست که اهداف جنگی اسرائیل چه زمانی محقق خواهد شد و این عملیات گسترده تا کی قرار است ادامه یابد، اما شاید بهتر بود بریتانیا و آمریکا به جای انجام چنین عملیاتی فشارهای خود را بر اسرائیل برای پایان دادن حملاتش در نوار غزه که روزانه جان غیرنظامیان بیشتری را می‌گیرد، افزایش می‌دادند. در مقابل آمریکا و بریتانیا تاکید دارند که به این عملیات نیاز داشتند تا بتوانند بار دیگر دریای سرخ را ایمن کنند، اما شواهد چندانی در دست نیست که نشان دهد این هدف در نهایت عملی شود. در حال حاضر میلیون‌ها نفر در سراسر منطقه می‌بینند که کشورهای غربی از نیروی نظامی خود استفاده می‌کنند تا حملات اسرائیل ادامه یابد و در عین حال اجازه می‌دهند که این رژیم به حملات خونین خود در نوار غزه ادامه دهد. ضمن اینکه هیچ چشم‌انداز روشنی وجود ندارد که نشان دهد اسرائیل چه زمان قرار است به اهداف جنگی اعلامی خود دست یابد. جنگ غزه پایانی ندارد و عواقب آن روز به روز در سراسر منطقه شدیدتر می‌شود و بعید به نظر می‌رسد به این سادگی‌ها پایان یابد. در همین حال به گزارش یورونیوز، همزمان با آغاز حملات آمریکا و بریتانیا به یمنی‌ها، مقام‌های ایتالیایی می‌گویند که ترجیح می‌دهند خود را درگیر این مناقشه نکنند. خبرگزاری رویترز به نقل از یک منبع دولتی در ایتالیا با اعلام این مطلب اضافه کرده که رم ترجیح می‌دهد سیاست آرامی را در قبال تحولات دریای سرخ پی بگیرد. این منبع که به دلیل حساسیت موضوع نخواسته نامش فاش شود همچنین گفت که دولت ایتالیا برای شرکت در هر اقدام نظامی به حمایت پارلمان نیاز دارد و تصویب سریع آن غیر ممکن است. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که این کشور و بریتانیا چندین هدف را در یمن از هوا و دریا مورد حمله قرار داده‌اند در حالیکه کشورهای دیگری، چون هلند، استرالیا، کانادا و بحرین نیز حمایت لجستیکی و اطلاعاتی ارائه کرده‌اند. حملات شبانه آمریکا به یمن پاسخی بود به حملات مکرر یمنی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ که یکی از شلوغ‌ترین خطوط تجاری دریایی جهان به شمار می‌رود. یمنی‌ها از ابتدای حملات اسرائیل به نوار غزه با حمله به کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ وعده داده‌اند تا زمانی که حضور نظامی اسرائیل در نوار غزه پایان نیابد به حملات خود ادامه خواهند داد. تصمیم ایتالیا در حالی رسانه‌ای شده که پیشتر هم گیدو کروستو، وزیر دفاع این کشور گفته بود حملات یمنی‌ها باید بدون آغاز جنگ جدید در منطقه متوقف شود. در همین حال اتحادیه اروپا قصد دارد با راه‌اندازی یک ماموریت جدید و اعزام کشتی‌های جنگی به دریای سرخ، از کشتی‌ها در مقابل حملات و تهدیدات ارتش یمن حفاظت نماید. در سندی که یورونیوز آن را مشاهده کرده سرویس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روز ۱۰ ژانویه پیشنهاد کرده که تا اوایل ماه آینده، دست‌کم سه کشتی جنگی با قابلیت‌های چند ماموریتی به آب‌های منطقه گسیل شود.